

جرس فریاد می دارد
که بر بندید محمل را
حافظ

- یلدا دفتری

[اگر انسان را دارای دو شأن انسانی و شهروندی بدانیم که تحقق این دو شأن در گرو تحقق حیات و زیستن در کشوری خاص محقق شوند، قوانین کشور باید به نحوی باشند که این دو شأن را لحاظ کنند.

در صورتی که این دو شأن محقق نشوند، حکومت‌های توتالیتر که دهشتناک‌ترین صفحات تاریخ را به خود اختصاص داده‌اند به وجود می‌آید؛ فجایعی چنان هولوکاست.

قانون به ما اجاره دهد، گوش فرادهد.

هر چند شخصاً عقیده دارم جای تشکیل‌یابی و فعالیت بسیاری از تفکرها در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه ما به علت فضای حاکم خالی است، اما چه بهتر که مجال باشد برای گفتگوی بین تفکرات متفاوت با مبنای دلیل و استدلال و نه کوری خواندن و به اصطلاح شاخ و شاخ کشیدن برای یکدیگر.

[باز دارندگی و کشاندگی]

طرح چنین ایده‌ای حتی، شهامت می‌خواست چه رسد به عملی کردن آن.

در این مطلب که پیش شماره این نشریه به حساب می‌آید، مطالبی نوشتیم که هر نقدی بر آن توسط هیئت تحریریه این نشریه باشد، در شماره‌های آتی بی‌کم و کاست چاپ خواهیم کرد.

عوامل بازدارنده‌ی زیادی برای اینکه دور گرفتن چنین نشریه‌ای را قلم بگیریم، وجود داشت اما عوامل جذب‌کننده برایمان اهمیت بیشتری داشت.

در پاراگراف اول این متن در مورد تمامیت‌طلبی نوشتیم که از دیدگاه‌های "هانا ارنت" خوانده بودم.

حتماً از مطالعه گروهک‌ها و احزاب متفاوت و رفت و آمد با افرادی که تفکر متفاوتی دارند، متوجه شده‌ایم که اگر آنان بر سر قدرت می‌آمدند، چه جهنمی برای دیگر نژادها یا احزاب و تفکرها ایجاد می‌کردند.

بنظر نگارنده بیشترین جای پیشرفت هر تفکری، شنیدن تفکرات متفاوت است. ممکن است در خود بازنگری کنند و خودانتقادی منجر به پویایی آنها شود و یا با ملاحظه نکاتی در خود و تقویت آن، به اوج خود دست یابند. فلذا موکداً می‌گویم شنیدن و تکرار گفته‌های همفکر به مثال "خودگویی و خودخندی، عجب مرد هنرمندی" خواهد شد و اتفاقاً گفتگو و شنیدن دیگر تفاوت‌ها(اگر قائل به انسداد سیاسی هستیم)، منجر به برون‌رفت از انسدادها و پیشرفتی همه‌جانبه برای جامعه‌یمان خواهد بود.

غالب نشریات محتوی طیف‌های مشخصی‌ست؛ برای مثال، "مجمع اسلامی دانشگاه الزهرا" خود دارای نشریه‌ای سیاسی اجتماعی است که در آن از طیف مشخصی به نگارش می‌پردازند. نشریات تشکیل‌های اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقل که خط مشی مشخصی را می‌پیمایند. اما این بار با هم‌اندیشی اتاق فکر مجمع برآن شدیم تا نشریه‌ای ایراد کنیم که تفکرات متفاوت(تا حد توان ما) یادداشت بدهند و در کنار یکدیگر چاپ شوند.

در مورد چگونگی و روند آن باید بگویم احتمالاً در موضوعات مشابه طیف‌های متفاوت یادداشت خواهند داشت که قطعاً محتوی استدلالات و نتیجه‌گیری‌های متفاوت است؛ شاید هم نیاز باشد که نویسنده‌ای نسبت به یادداشت شماره قبل نویسنده دیگری جوابیه بدهد و چنان مناظره‌ای مکتوب ادامه یابد.

چنین نشریه‌ای راه را برای هیاهو و سر و صداها پوچ خواهد بست و صرفاً استدلال منطقی و تحلیل را شامل خواهد شد. چنین نشریه‌ای ممکن است به گفتگوی منطقی تفکرات متفاوت منجر شود و دید کامل‌تر و شامل‌تری را نسبت به حوادث گوناگون برای خواننده فراهم آورد.

قطعاً ستون ثابتی در صفحات آخر نشریه نسبت به نظرات و انتقادات و پیشنهادات خواننده اختصاص خواهیم داد، چرا که یقیناً به پویایی نشریه کمک شایانی خواهد نمود.

[چرا چنین کردیم؟]

در اتاق فکر مجمع الزهرا همیشه تاکید می‌کردیم که باید جامعه آرمانی ما در دفتر کوچکمان محقق شود، فارغ از اینکه حقیقتاً چنین اتفاقی محقق شد یا نه. منظور از جامعه آرمانی جامعه‌ای بود که افراد با جهت‌گیری‌ها و تفکرات متفاوت بدون بهره‌مندی از تشویق و یا تنبیه به صرف داشتن عقیده‌ای مشخص به اظهار عقیده بپردازند.

ایده گرفتن مجوز نشریه‌ای که در آن تمامی تفکرات بنویسند و استدلال کنند و در یک شیرازه یادداشت‌هایشان کنار یکدیگر قرار بگیرند و تمام آنها در یک جایگاه باشند و تمام آن استدلال‌ها بدون سانسور یکی و بازتاب و پرو بال دادن به دیگری، کنار یکدیگر خوانده شوند و مخاطب این نشریه به تمثال آیه «یستمعون القول...»، به تمام فکرها تا جاییکه



- نمایی از فاجعه هولوکاست

شاید به اجحاف تعصب‌ورزی نسبت به مواضع را نشان از تدین دانست در صورتی که دعوت به شنیدن صداها متفاوت همواره در اسلام به چشم می‌خورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ. وَ فِي نَقْلِ: فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ. کسی که تعصب بورزد یا برایش تعصب ورزیده شود، حلقه ایمان را از گردن خویش باز کرده است. در حدیثی دیگر آمده است: حلقه اسلام را از گردن خویش باز کرده است.

(الکافی : ۲/۳۰۸ - ثواب الأعمال : ۱/۲۶۳)

متأسفانه آنچه شاهد آن بودیم تعصب‌ورزی و بی‌حوصلگی و بعضاً بی‌اخلاقی نسبت به جهت‌گیری‌های متفاوت به وقوع پیوسته است.

و گاهی شاهد آن بودیم که اگر سخنی باب طبع نبود، بی‌رحمانه به قدرت‌های خارجی منتسب می‌گشت و در راستای سرکوبش از تلاشی فروگذاری نمی‌شد.

«نیم‌نگاهی بر صد و سومین جلسه کمیته ناظر بر نشریات»

رسوم تشریفاتی مجوز گیری

– ریحانه جاودان

تحقیقات و فناوری و رعایت مفاد محتوای تبصره‌های یک^۲ و دو^۳ ماده ۱۲ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی و به شرط رعایت محدودیت^۴ و شرایط مدیرمسئول و سردبیر و صاحب‌امتیاز که در مواد ۱۳ و ۱۴ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی آمده‌است، محدودیتی در انتشار بیش از یک نشریه وجود ندارد.

افزون بر آن، مجال خاطر نشان است که استعمال "کاغذ اخبار" در میان اسامی، به قصد انتشار برخی اخبار دانشگاه^۵ به صورتی بی‌طرفانه حتی بدون دخالت در امور صنفی دانشگاه یا در صورت لزوم با اخذ اجازه از آنان و دعوت از آنان تحت عنوان هیئت تحریریه بوده است و در چنین شرایطی که "دانشگاه" طرف دیگر است، مجال انتشار مصاحبه از مسئولین دانشگاه نیز وجود دارد.

نشریه‌ای فراجناحی، خارج از تکیه کردن بر طیف فکری خاص و تک‌سو نگری که مثال مناظره‌ای مکتوب در رابطه با موضوعی معین در هر شماره است. پر واضح است که در چنین فضایی که آزادی بیان خودنمایی می‌کند، فرصتی برای جنجال باقی نمی‌گذارد که بتواند کور سویی بیابد! ممکن است درج صاحب‌امتیازی "مجمع اسلامی الزهرا" در مجوز نشریه و سایر عوامل، ما را متهم به گزافه‌گویی و دورویی در ادعای چاپ بی‌طرفانه و فراجناحی بودن آن کند؛ اما، برآمدن این ایده از اتاق فکر تشکل "مجمع اسلامی الزهرا" و تعهد چاپ هرگونه یادداشتی در طیف‌های مختلف فکری اعم از اصولگرایان، اصلاح‌طلبان، مستقلان و... در چارچوب موضوع باتوافق مشخص شده، دال بر آن است تا بتوان چونان اندیشه‌هایی را از اذهان زدود.

شاید جلوگیری از انسداد سیاسی و ایجاد فضایی مکتوب در خصوص هر چه آزادی بیان بیشتر به‌ویژه در میان قشر دانشجو را بتوان یکی از کرانه‌های این گام دانست که احتمالاً مسببین چنین نشریه‌ای در پی آن بوده‌اند. هم‌چنین بسط و خلق فضاها و اتاق‌های فکری متعدد با تفکرات مختلف در راستای موضوعات و احتمالاً تغییر بعضی اِلمان‌ها و اصول و صفاتی که فی‌الحال نشریه آن را یدک می‌کشد و توافق نظر بین آن‌ها را می‌توان شمه‌ای از جملگی دیگر مقاصد دانست.

ظاهراً با دقت نظر در زمره رسوم مجوزگیری، به‌انحصار در دانشگاه الزهرا"س" و یا به احتمال در دانشگاه‌های دیگر، چنین برمی‌آید که مدیرمسئولی که قصد بردوش نهادن مسئولیت خطیر مدیریت نشریه را دارد و چونان ناتوریست بر آن، موظف است علی‌رغم دوییدن‌های مبهم و نهایتاً با مَنتهی در راستای امضاگیری‌های متعدد از اداره آموزشی دانشکده‌ها و استعلام انضباطی که بخش اداری کار را تشکیل می‌دهد و آستانه ظرفیت آدمی "دانشجوی مسئول" را برای مراحل بعدی بالا می‌برد، در جلسه‌ای از سلسله جلسات شاید قریب به ماهیانه کمیته‌ناظر^۱ شرکت نموده و درمورد شرح نام یا نام‌های انتخابی ذکر شده در درخواست مجوز یک قدمی شبه‌ده‌قدمی مانده تا "صادر" شدن، نوآوری و بهره‌مندی از چه ناگفته و نکته نغز و جدیدی برای بیان عریضه، توجیه عدم اتلاف کاغذهای مصرفی از بیت‌المال در شرایط گرانی آن‌ها و ممانعت از قطع درختان بیشتر در دنباله دفاع از مورد قبلی، عدم تناسب نام و محتوای چاپی، گرفته تا حتی چرایی عدم تناسب ظاهری صاحب‌امتیازی با نوآوری، توضیحاتی ارائه دهد و مثال استیضاح‌شونده‌ای شفاف‌سازی کند!

• آنچه "داخل درهای بسته" گذشت! (شفاف‌سازی چه بود و چه کرد؟!)

معرفی‌نامه

یحتمل چندان عجیب ننماید که از میان تعداد اسامی که به‌دقت اولویت‌بندی و مطابق با مواد ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی و دستورالعمل اجرایی آن، نصف به نصف به انتخاب مدیرمسئول و سردبیر این نشریه روزنامه مانند آسه کاهی با اوراق محدود برگزیده شده و به کمیته‌ناظر بر نشریات دانشگاه تحویل داده شد، لاجرم نام "جرس" را برنشریه خود نهادیم؛ چرا که متعاقب بر رد شدن اسامی انتخابی در جلسه صدوسوم، از بیم رد شدن و بی‌نام ماندن نشریه‌مان، جمعی از دیگر اسامی را مجدداً اعلام داشتیم که در آخر، اتهام تصور نادرست و عدم موجودیت جدی قائل شدن برای کمیته‌ناظر را برایمان به دنبال داشت. اسامی شانزده‌گانه، به‌دلیل نظر اعضای کمیته‌ناظر بر عدم تناسبشان با محتوای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نشریه جدید و نوآوری در فراجناحی بودن آن - که همین مهم، وجه تمایز آن با نشریه سیاسی و اجتماعی قبلیمان "سلام" بود - همگی تأیید نشدند و همین ما را از جمعی از نام‌های جدید پیشنهادی اعضای کمیته‌ناظر مانند "تریبون آزاد" و "موج گفتگو" در برابر "موج سوم"، که به تعبیر آنان وجه سیاسی تندی را به ذهن القا می‌کند و موج، موج می‌آورد(!)، بهره‌مند می‌کرد. لکن از آنجا که که تمامی اقدام و گام هایمان را بدون تعامل و مشاوره با یکدیگر از پیش نمی‌بردیم، پذیرش پیشنهادات و اندیشه درمورد آن‌ها را به‌منظور مشورت با سردبیر، معلق نهادم. چنین می‌نماید که وجه "سیاسی" و "اجتماعی" بودن، میان دو نشریه مشترک است، با این وجود، نظر به آنچه که درباره استعلامات صورت گرفته از شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشگاهی وزارت علوم،



– بدون نام (صدفی به شکل یک گوش)، اثر رنه ماگريت

- ۱- ماده ۲ ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی و تبصره‌های آن و ماده ۴ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی.
- ۲- تبصره ۱: زمینه انتشار نشریه‌ای که صاحب‌امتیاز آن شخص حقوقی است نباید مغایرتی با اساسنامه آن تشکل یا نهاد داشته باشد.
- ۳- تبصره ۲: نشریات دانشجویی موظف‌اند در زمینه‌هایی که مجوز اخذ کرده‌اند به فعالیت بپردازند.
- ۴- از جمله محدودیت‌ها، در ماده ۱۶ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی آمده‌است: هیچ‌کس نمی‌تواند در زمان واحد صاحب‌امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر بیش از نشریه باشد.
- ۵- مطابق تبصره ۱ ماده ۱ و ماده ۲۷ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی

گانه‌نامه فراجناحی
اجتماعی و سیاسی
و فرهنگی جرس
سال اول / شماره صفر
بهمن‌ماه / ۱۳۹۸

جرس

@majma_alzahra

@majma_alz